

فصلنامه علمی «پژوهش انحرافات و مسائل اجتماعی»

شماره ششم، زمستان ۱۴۰۱: ۶۳-۳۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۰۴

نوع مقاله: پژوهشی

واکاوی تجربه خشونت خانگی علیه زنان شاغل (مورد مطالعه: زنان شاغل شهر تهران)

اکرم قلیچ‌خان*

زهرا عبدلی**

چکیده

خشونت خانگی علیه زنان نوعی رفتار پرخاشگرانه است که در روابط نزدیک و خانوادگی رخ می‌دهد. خشونت علیه زنان، یکی از خشن‌ترین نتایج نابرابری‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در جوامع مختلف است که پیامدهای جبران‌ناپذیری را برای قربانی ایجاد می‌کند. به نظر می‌رسد که دسترسی به منابع در زنان شاغل، سبب تجربه خشونت در بین آنها شده و آنان نیز از خشونت خانگی مستثنی نیستند. مطالعات قابل توجهی در ارتباط با خشونت خانگی علیه زنان خانه‌دار شده، ولی در ارتباط با زنان شاغل، مطالعات محدود بوده است. هدف پژوهش حاضر، واکاوی تجربه خشونت خانگی و درک زنان شاغل از این خشونت در شهر تهران است. در بخش روش‌شناسی از روش کیفی و راهبرد نظریه زمینه‌ای استفاده شد. انتخاب مصاحبه‌شوندگان به صورت هدفمند بود و تعداد ۱۲ زن شاغل به مدت بیش از سه ماه بررسی شدند. هفت مقوله اصلی و یک مقوله هسته از خلال کدگذاری داده‌ها استخراج شد. «چرخه اشتغال زنان و تجربه خشونت» به عنوان مقوله نهایی انتخاب گردید و در پایان مدل پارادایمی

* استادیار گروه مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، ایران

akram7900_ghelichkhan@yahoo.com

** نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناسی‌ارشد رشته مدیریت کسب‌وکار (گرایش مدیریت منابع انسانی و رفتار

z.abdolei@gmail.com

سازمانی)، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، ایران



مستخرج از داده‌ها طرح شد. نتایج بیانگر آن است که زنان شاغل در شهر تهران، درکی متنوع از خشونت خانگی داشته، انواع این خشونت را تجربه می‌کنند. به نظر می‌رسد که نوع و میزان خشونت اقتصادی و اجتماعی در زنان شاغل، متفاوت از زنان خانه‌دار باشد.

واژه‌های کلیدی: خشونت خانگی، زنان شاغل، تجربه خشونت، پیامدهای خشونت و استراتژی‌ها.



مقدمه

یکی از موضوعاتی که از دیرباز در جوامع مختلف به عنوان معضل اجتماعی مطرح بوده، مسئله خشونت خانگی و به ویژه خشونت علیه زنان است. هرچند فرض بر این است که خانه باید مکانی امن برای اعضای خانواده باشد، وجود خشونت آن را تبدیل به جهنمی برای اعضای کم‌توان می‌کند. به باور بسیاری از صاحب‌نظران، خشونت خانگی، نقض آشکار حقوق انسانی است (ر.ک: جهانی جناقرد، ۱۳۹۹). آمارهای مختلف حکایت از جهانی بودن این مسئله دارد، به طوری که ۲۷ درصد از زنان در جهان، حداقل یک بار در طول عمرشان، خشونت خانگی را تجربه کرده‌اند. فقط در سال ۲۰۱۸، بیش از ۴۹۲ میلیون زن ۱۵ تا ۴۹ ساله در خانه‌هایشان مورد خشونت فیزیکی یا جنسی قرار گرفته‌اند. این امر، سلامت روحی و جسمی آنان را تهدید کرده، گاهی زنان را به سوی خودکشی نیز هدایت می‌کند (ر.ک: Richardson & et al, 2002).

خشونت علیه زنان بر اساس فرهنگ مردسالارانه در جوامع مختلف از جمله کشورهای کمتر توسعه‌یافته در آسیا مشخص می‌شود (ر.ک: Utaminingsih & Nuryani, 2020; Tyarakanita & et al, 2021; Dlamini, 2020). در حقیقت خشونت علیه زنان که در مواردی از آن به عنوان خشونت خانگی یاد می‌شود، مسئله‌ای در ابعادی جهانی است که با وجود تغییرات قوانین و حمایت بیشتر از زنان، همچنان زنان با انواع خشونت و تبعیض جنسیتی روبه‌رو هستند (Sosa & Mestre, 2022: 5). نتایج یک نظرسنجی نشان می‌دهد که ۴۷ درصد از دختران در کودکی و ۳۳ درصد هنگام ازدواج خود در معرض خشونت هستند و همراه با این نسبت، ۶۵ درصد از زنان متأهل نیز در معرض خشونت قرار می‌گیرند (Sosa & Mestre, 2022: 5).

اصطلاح خشونت خانگی به نوعی رفتار پرخاشگرانه اطلاق می‌شود که در روابط نزدیک و خانوادگی رخ می‌دهد. بر اساس تعریف سازمان ملل، عبارت خشونت علیه زنان به معنای هر عمل خشونت‌آمیز مبتنی بر جنسیت است که سبب احتمال بروز آسیب‌های روانی، جسمانی، رنج و آزار زنان می‌گردد. از جمله پیامدهای خشونت علیه زنان را می‌توان به مواردی چون اجبار به انجام برخی از اعمال، محرومیت اجباری یا اختیاری در شرایط خاص، از آزادی در زندگی عمومی یا در زندگی خصوصی اشاره نمود. خشونت خانگی ریشه در نابرابری جنسیتی، سوءاستفاده از قدرت و معیارهای

اجتماعی آسیب‌رسان دارد. اصطلاح آن در درجه اول برای تأکید بر این واقعیت است که نابرابری ساختاری و مبتنی بر جنسیت در قدرت، زنان و دختران را در معرض خطر انواع خشونت قرار می‌دهد. خشونت علیه زنان مرز نمی‌شناسد و محدود به جوامع عقب‌مانده نیست. در همه جای دنیا، زنان کم و بیش مورد انواع خشونت واقع می‌شوند. خشونت علیه زنان، جا و مکان خاصی ندارد. در خانه یا خیابان یا محل کار زنان با انواع خشونت روبه‌رو هستند. در خانه از سوی پدر، همسر و برادر خود مورد کتک و فحاشی قرار می‌گیرند. عامل اصلی خشونت علیه زنان را می‌توان در شرایطی یافت که مانع از برابری زن یا مرد در همه سطوح زندگی می‌شود. خشونت هم در تبعیض ریشه دارد و هم به آن دامن می‌زند. خشونت خانگی اکنون به عنوان یکی از مسائل بهداشت جهانی در نظر گرفته شده است (احمدی و دیگران، ۱۴۰۰: ۵۴۷؛ ر.ک: Cau, 2020).

در ایران، آمارهای دقیقی از میزان خشونت خانگی نسبت به زنان وجود ندارد. ویژگی‌های فرهنگی جامعه سبب شده تا خشونت خانگی علیه زنان در ایران، همانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه، هم از نظر جامعه و هم از نظر آمار و منابع رسمی پنهان بماند؛ زیرا زنان تا آنجا که امکان دارد، سکوت می‌کنند و اعتراضی نمی‌کنند (لطفی‌خاچی و کرمانی، ۱۳۹۹: ۹۳؛ ر.ک: Aliverdi Nia & et al, 2011). هرچند در آمارهای رسمی به میزان خشونت علیه زنان در ایران به وضوح اشاره نشده است، پژوهش‌ها نشان‌دهنده گستردگی دامنه خشونت است. بر اساس مطالعات مقدماتی درباره میزان وقوع خشونت خانگی در ایران، نرخ همسرآزاری و بدرفتاری نسبت به زنان ۳۰ تا ۸۰ درصد برآورد شده است (احمدی و دیگران، ۱۴۰۰: ۵۴۸؛ ر.ک: شمس اسفندآبادی و دیگران، ۱۳۸۳).

بگرضایی و همکاران با استفاده از روش فراتحلیل، تصویری از خشونت خانگی را در ایران نشان دادند. بر این اساس «بیشترین میزان خشونت بین زنان سنین ۲۰ تا ۳۰ سال با ۴۸.۵٪ و کمترین میزان خشونت در گروه‌های سنی ۴۵ تا ۵۰ سال با ۹.۶٪ است. در مجموع خشونت‌های روانی-عاطفی با ۵۲ درصد، شایع‌ترین نوع خشونت در بین زنان بوده، پس از آن خشونت فیزیکی با ۳۷٪ و خشونت اجتماعی با ۳۴٪ به ترتیب شایع‌ترین انواع خشونت علیه زنان را تشکیل می‌دهد... میزان خشونت در بین زنان خانه‌دار با ۶۳.۳٪، شیوع بیشتری داشته است» (بگرضایی و دیگران، ۱۳۹۶: ۷۱). خشونت خانگی، یکی از زمینه‌های فروپاشی خانواده است. پژوهش امین و همکاران (۲۰۱۹)

نشان می‌دهد که از منظر زنان متقاضی طلاق، خشونت (در اشکال مختلف) مهم‌ترین عاملی است که آنها را برای دادخواست طلاق مصمم کرده است.

هرچند پژوهش‌های انجام‌شده درباره خشونت خانگی علیه زنان در سال‌های اخیر در ایران بسیار زیاد است، پژوهش‌های کیفی در موضوع خشونت خانگی در ایران کافی نیست. از سوی دیگر، اغلب مطالعات در این حوزه بدون توجه به وضعیت اشتغال زنان بوده است. این در حالی است که به نظر می‌رسد اشتغال زنان به عنوان یک متغیر تأثیرگذار بر موقعیت زنان در ساختار قدرت می‌تواند عاملی مؤثر بر افزایش یا کاهش خشونت خانگی باشد. از آنجا که امروزه در کشور ما درصدی از زنان در زمینه‌های مختلف به فعالیت اقتصادی پرداخته و شاغل هستند، به نظر می‌رسد که خشونت خانگی علیه زنان شاغل، مسئله‌ای قابل تأمل است.

ویلیام گود (۱۹۷۱) در نظریه منابع استدلال می‌کند که منابع در دسترس مانند موفقیت، منزلت اجتماعی، شغل، استعداد ذاتی و غیره، روابط اعضای خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ زیرا طبقات اجتماعی مختلف و گروه‌های قومی در دستیابی به منابع تفاوت دارند. بنابراین ممکن است این افراد بیشتر از قشرهای دیگر جامعه تمایل به استفاده از خشونت داشته باشند. به عبارت دیگر اگر منابع در دسترس فرد زیاد باشد، احتمال استفاده از خشونت کمتر است. اما زمانی که فرد نتواند به دلایلی به منابع مورد نظر خویش دسترسی یابد، احتمال استفاده از خشونت برای به دست آوردن منابع بیشتر می‌شود. از آنجا که زنان شاغل در مقایسه با زنان خانه‌دار دارای منابع اقتصادی و اجتماعی (منزلی) بیشتری هستند، محتمل است افزایش منابع در دسترس آنان، زمینه‌ساز خشونت خانگی علیه زنان شود.

بدین منظور پژوهش حاضر درصدد فهم پدیده خشونت خانگی در بین زنان شاغل است که با توجه به تجربه کسب درآمد و شاغل بودن ممکن است تجربه‌ای متفاوت از زنان غیر شاغل در زمینه خشونت داشته باشند. بنابراین پرسش‌های مهمی را می‌توان برای این مسئله طرح نمود:

- ادراک زنان شاغل از خشونت خانگی توسط همسر چیست؟
- راهبردهای مواجهه با این نوع خشونت و پیامدهای آن بر زندگی شخصی آنان چگونه است؟

- چه شرایط زمینه‌سازی در تجربه خشونت زنان شاغل حاکم است؟
- انواع خشونت تجربه‌شده زنان شاغل، شامل چه مواردی است؟

پیشینه پژوهش

هدف این پژوهش، مطالعه تجربه خشونت خانگی زنان شاغل در شهر تهران است. از همین رو هنگام تدوین پیشینه پژوهش سعی بر آن بوده حتی‌الامکان از منابع مرتبط‌تر به موضوع استفاده شود تا بتوان تصویر جامع‌تری از حوزه مورد مطالعه ارائه نمود. البته باید دقت داشت که مطالعات مرتبط با خشونت خانگی زنان شاغل اندک بوده است. از این رو تطبیق و قیاس پژوهش‌های انجام‌شده با پژوهش حاضر، قیاس کاملی نیست؛ بنابراین سعی شده تا مربوط‌ترین پیشینه پژوهشی با موضوع انجام گیرد.

احمدی و همکاران (۱۴۰۰)، پژوهشی با عنوان «خشونت علیه زنان: حاکمیت ایدئولوژی مردسالار و هژمونی سلطه مذکر (مطالعه موردی: زنان بوشهر)» و با هدف بررسی خشونت علیه زنان در میان زنان بوشهر با استفاده از روش کیفی و با رویکرد روش نظریه زمینه‌ای با ۱۲ نفر از زنان بوشهر به صورت نیمه‌ساختار یافته انجام داده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که پنج مقوله محوری «فرهنگ مردسالاری و نابرابری جنسیتی نهادینه‌شده»، «کیفیت تعاملات زوجین»، «مشروعیت‌بخشی نظام فرهنگی به خشونت»، «استراتژی زنان در مقابله با خشونت» و «بازتولید نگرش‌های مردسالاری نسبت به زنان» وجود دارد. مقوله هسته‌ای این پژوهش، «حاکمیت ایدئولوژی مردسالار و هژمونی سلطه مذکر» است.

باغی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی به دنبال بررسی خشونت علیه زنان و عوامل مرتبط با آن در شهر سقز بودند. این مطالعه مقطعی روی ۲۰۰ زن متأهل مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهرستان سقز انجام شد که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شده بودند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های اطلاعات جمعیت‌شناختی و خشونت علیه زنان (همسرآزاری) استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار pasw به کمک آزمون‌های آمار توصیفی و استنباطی انجام شد. سطح معنی‌داری ۰/۰۵ در نظر گرفته شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که زنان سقزی در معرض خشونت‌های جسمی، روانی، مالی و جنسی هستند. همچنین شناخت وضعیت

خشونت خانگی علیه زنان و عوامل مرتبط با آن می‌تواند به طراحی برنامه‌های هدفمند برای کاهش و پیشگیری از این مشکل کمک نماید.

کریمی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی میان کشورهای توسعه‌یافته و ایران در سه بازه زمانی، به شناسایی و مقایسه روند موضوعی مفاهیم خشونت در تحقیقات جنسیت، زنان و خانواده پرداخته‌اند. این مطالعه از نوع مطالعات علم‌سنجی و با استفاده از روش تحلیل هم‌رخدادی واژگان و نمودار راهبردی انجام شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که برآیند کلی سه دهه مؤید این مسئله است که پژوهش‌های حوزه خشونت در حوزه جنسیت، زنان و خانواده با موضوعات کلیدی کلی قبل از ۱۹۸۰ شروع شده و در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به صورت تخصصی‌تر واکاوی شده‌اند.

یزدان پناه دولت‌آبادی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی و طراحی بسته آموزشی مقابله با خشونت خانگی و اثربخشی آموزش بسته بر خشونت همسر و اشتیاق تحصیلی فرزندان پرداختند. روش پژوهش شبه‌آزمایشی از نوع پیش‌آزمون- پس‌آزمون با دو گروه آزمایش و دو گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل کلیه زنان خشونت‌دیده و فرزندان آنها در شهر رفسنجان بود که از بین ۵۳ زن خشونت‌دیده که به یکی از مراکز مشاوره شهرستان رفسنجان مراجعه کرده بودند، ۳۰ زن به همراه یکی از فرزندانشان که با هم ۶۰ نفر را تشکیل دادند، به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده در چهار گروه ۱۵ نفری و به عبارتی دو گروه آزمایش متشکل از زنان و فرزندانشان و دو گروه کنترل زنان و فرزندانشان جایگزین شدند. زنان پرسشنامه مقابله با خشونت خانگی علیه زنان و فرزندان محسنی تهریزی، کلدی و جوادیان‌زاده (۱۳۹۱) و پرسشنامه درگیری تحصیلی فردریکس، بلومفیلد، و پاریس (۲۰۰۴) را به عنوان پیش‌آزمون و پس‌آزمون تکمیل کرده‌اند. برای مداخله، بسته آموزشی محقق‌ساخته مقابله با خشونت همسران در ده جلسه فقط روی زنان گروه آزمایش اجرا شد. داده‌ها با تحلیل کوواریانس تک‌متغیری (آنکووا) و آزمون‌خی‌دو تحلیل شد. نتایج بیانگر آن است که بسته آموزشی قابلیت استفاده به عنوان یک پروتکل آموزشی را دارد و از آن می‌توان به عنوان یک ابزار در جهت کاهش خشونت خانگی مردان و بهبود اشتیاق تحصیلی فرزندان بهره برد.

مفردنژاد و منادی (۱۳۹۹) در پژوهش خود به دنبال بررسی ارتباط سرمایه‌های

روان‌شناختی و فرهنگی با خشونت خانگی علیه زنان فرهنگی شهر بهبهان بودند. این پژوهش، مطالعه‌ای مقطعی از نوع همبستگی و نمونه آماری آن ۱۵۶ زن متأهل بود که از بین جامعه کارمندان زن متأهل و شاغل در آموزش و پرورش شهرستان بهبهان با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده گزینش شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه سرمایه روان‌شناختی (PCQ)، سرمایه فرهنگی (CCQ) و پرسشنامه خشونت خانگی بود و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری همبستگی پیرسون و کانی انجام شد. نتایج نشان داد که مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی و سرمایه فرهنگی پیش‌بین‌های منفی خشونت خانگی علیه زنان بود. نتایج تحلیل همبستگی کانی نشان داد که چهار متغیر بنیادی برای درک روابط بین مجموعه متغیرهای ملاک و پیش‌بین مورد نیاز است و هر چهار بعد از خرده‌مقیاس‌هایی از مجموعه پیش‌بین و ملاک تشکیل شده‌اند. ضرایب بنیادی برای چهار بعد اول به ترتیب ۰/۱۸۷، ۰/۱۶۴، ۰/۵۸ و ۰/۳۱ به دست آمد. کمبود سرمایه‌های روان‌شناختی و فرهنگی با دریافت خشونت خانگی بیشتر در زنان همبسته است. از این‌رو برنامه‌های آموزشی برای ارتقای این مهارت‌ها در زنان متأهل در این پژوهش پیشنهاد شده است.

سعیدی و همکاران (۱۳۹۹)، پژوهشی را با هدف مطالعه کیفی تجربه زیسته زنان از خشونت خانگی به انجام رساندند. این پژوهش با پارادایم تفسیرگرایی و با استفاده از روش‌شناسی پدیدارشناسی، سعی در شناسایی تجارب زیسته زنان شهر اصفهان از خشونت خانگی داشته است. میدان تحقیق، واحد کاهش طلاق مرکز اورژانس اجتماعی شهر اصفهان بود. با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند با ۱۸ نفر از زنان خشونت‌دیده، مصاحبه عمیق نیمه‌ساخت‌یافته انجام شد و با روش هفت مرحله‌ای کولایزی، تحلیل داده‌ها صورت گرفت. نتایج تحقیق علاوه بر ارائه نوع‌شناسی دقیق از خشونت که زنان آن را تجربه کرده بودند، نشان داد که هر کدام از زنان خشونت‌دیده بر اساس نوع خشونت که تجربه کرده‌اند، خشونت علیه زن را چگونه تعریف می‌کنند. زنان در بیان تجاربشان به دلایل خشونت همسر نیز اشاره نمودند. در این خصوص به دخالت خانواده مرد، ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی مرد، شناخت ناکافی از یکدیگر و اندیشه‌های مردسالاری اشاره داشتند. همچنین زنانی که قدرت مقابله با همسر را در خود نمی‌بینند، به صورت منفعلانه به سازش و تحمل زندگی خشونت‌بار، پنهان کردن خشونت اعمال‌شده و در

نهایت دفاع از خود هنگام كتك خوردن می‌پردازند. آن دسته از زنان كه توانایی مقابله با خشونت همسر دارند، به صورت فعالانه دست به اقداماتی چون اتخاذ تدابیر برای بهبود اوضاع، انجام ندادن خواسته‌های مرد، ناسزاگویی در مقابل خشونت كلامی شوهر و در نهایت با نتیجه ندادن اقدامات اشاره شده به قهر و ترك منزل دست می‌زنند.

میرزایی و همكاران (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی میزان خشونت خانگی از نوع روانی در زنان شاغل و خانه‌دار شهر شاهرود و ارتباط خشونت روانی با برخی از مشخصات دموگرافیک در سال ۱۳۸۸» به ارزیابی خشونت روانی در زنان شهر شاهرود و عوامل مرتبط با آن پرداختند. این تحقیق، مطالعه‌ای تحلیلی-مقطعی است كه در شهر شاهرود و روی ۶۰۰ زن با ابراز گردآوری پرسشنامه انجام شده است. یافته‌ها بیانگر آن است كه بیشترین نوع خشونت در زنان شاغل و خانه‌دار، اجبار به انجام كارهای خلاف میل زنان توسط همسر و كمترین نوع خشونت در دو گروه، حبس كردن در منزل بوده است.

سابه‌اشچاندر^۱ و همكاران (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «خشونت خانگی و عوامل مرتبط با آن در میان زنان متأهل در شهر چنای: مطالعه‌ای مقطعی» كه با هدف یافتن میزان خشونت خانگی در شهر چنای، تامیل نادو و یافتن عوامل مرتبط با آن انجام دادند، با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس و پرسشنامه نیمه ساختاریافته به این پژوهش پرداختند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد كه شیوع کلی خشونت خانگی ۳۸/۲ درصد بود كه خشونت جسمی، جنسی، روانی و عاطفی به ترتیب ۲۸/۷ درصد، ۹/۱ درصد، ۱۲/۶ درصد و ۱۵/۴ درصد بود. تجزیه و تحلیل چندمتغیره نشان داد كه مشاركت زنان در تصمیم‌گیری در خانه، سوء مصرف الكل در بین شوهران، مذهب و تحصیلات شوهر به طور قابل توجهی با خشونت خانگی مرتبط است.

مانیزیا و میشر^۲ (۲۰۲۲) در پژوهشی به بررسی نگرش جوانان نسبت به خشونت خانگی پرداختند. در این پژوهش، ۲۴۰ زن و مرد جوان به عنوان نمونه پژوهش به روش نمونه‌گیری نسبت جمعیت از دو دانشكده G.B انتخاب شدند. یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده اختلاف شدید نسبت به خشونت خانگی بود. همچنین بین نگرش جوانان نسبت به خشونت خانگی و متغیرهای مستقل منتخب یعنی سن، جنسیت، دانشگاه و

درآمد خانواده، ارتباط معناداری مشاهده شده است.

آدام و ارهاس^۱ (۲۰۲۲) پژوهشی با عنوان «شیوع یک‌ساله خشونت خانگی علیه زنان در طول سال؛ همه‌گیری COVID-19 در یک جامعه شهری در جنوب نیجریه» با هدف بررسی میزان خشونت خانگی علیه زنان در طول همه‌گیری COVID-19 انجام داده‌اند. روش کار این پژوهش، توصیفی مقطعی است که از روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای و مصاحبه ساختاریافته و ابزار پرسشنامه استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که بیش از یک‌سوم از زنان ۲۲۱ نفر (۳۵/۹ درصد) خانه‌دار، قربانی خشونت خانگی شده‌اند. انواع خشونت خانگی‌ای که زنان تجربه کرده‌اند، شامل: روانی ۱۲۰ (۵۴.۳٪)، جسمی ۶۸ (۳۰.۸٪)، جنسی ۳۸ (۱۷.۲٪) و اقتصادی ۳۶ (۱۶.۳٪) است. شوهر ۵۲ (۷۶.۵٪) و دوست پسر ۳۹ (۵۷.۴٪) مرتکب بیشترین خشونت فیزیکی علیه زنان قربانی بودند.

شکری و همکاران^۲ (۲۰۲۱) در پژوهشی که اخیراً درباره پدیدارشناختی تجربه‌های زیسته زنان از خشونت خانگی در طول همه‌گیری COVID-19 انجام داده‌اند، در پی رسیدن به هدف بررسی پدیده خشونت شریک صمیمی علیه آنها به نتایجی دست یافتند. در این پژوهش با استفاده از روش کیفی و از طریق مصاحبه انفرادی عمیق و نیمه‌ساختاریافته به اطلاعاتی دست یافتند. یافته‌ها بیانگر آن است که در شرایطی که خانواده تحت فشار است، برای برخی از مردان، تنها راه مراقبت از موقعیت قدرتمند خود، جست‌وجوی روش‌های خشن و مستبدانه است. بنابراین استفاده از مداخلات مبتنی بر توانمندسازی اجتماعی برای تقویت سرمایه روانی و گنجینه مهارتی مردان، نقش مهمی دارد.

مجاهد و همکاران (۲۰۲۰)، پژوهشی با عنوان «خشونت شریک صمیمی علیه زنان در کشورهای عربی: بررسی سیستماتیک عوامل خطر» با هدف بررسی عوامل خطر بر اساس چارچوب نظری اکولوژیکی یکپارچه برای IPV^۳ برای زنان ساکن در کشورهای عربی انجام داده‌اند. خشونت شریک صمیمی (IPV) به شدت به سلامت جسمی، جنسی، باروری و روانی و همچنین رفاه اجتماعی افراد و خانواده‌ها آسیب می‌رساند. عوامل مرتبط با افزایش خشونت خانگی علیه زنان استخراج و با توجه به مدل

1. Adam VY, Erhus E

2. Shokri and et al

3. Intimate Partner Violence

اکولوژیکی یکپارچه به روز شده در چهار سطح طبقه بندی شد. در سطح فردی، عوامل خطر یا مربوط به قربانیان یا عاملان IPV بود. عوامل مرتبط با ازدواج، تعارض درون خانواده و غیره در سطح خانواده بررسی و گنجانده شد، در حالی که عوامل مربوط به خانواده گسترده و ماهیت ازدواج در سطح جامعه گنجانده شد. در نهایت عوامل خطر مرتبط با بافت فرهنگی که تحت تأثیر پس زمینه های سیاسی و مذهبی هستند، در سطح اجتماعی گنجانده شد. ساختار پیچیده خشونت علیه زنان در جهان عرب مستلزم مداخلات حساس فرهنگی- اجتماعی است که باید با کار سیستماتیک و ساختارمند با هدف بهبود وضعیت زنان عرب در همه سطوح همراه باشد.

با توجه به پژوهش های صورت گرفته در این موضوع به نظر می رسد که زنان به دلایل و زمینه های مختلفی مورد خشونت قرار گرفته اند. یکی از عوامل خشونت علیه زنان، ساختار تصمیم گیری و قدرت در خانواده و موقعیت زنان در آن بوده است. نوع خشونت ها با توجه به ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... تغییر کرده و زنان نیز از استراتژی های متفاوتی برای مقابله استفاده می کنند. همچنین انواع خشونت های دارای اهمیت در تحقیقات قبلی را می توان به خشونت روانی، جسمی، جنسی و اقتصادی تقسیم بندی کرد. پژوهش های انجام شده نشان می دهد که درباره موضوع خشونت خانگی علیه زنان شاغل، تحقیقات اندکی انجام شده است.

چارچوب مفهومی

مفاهیم حساس نظری

در این بخش با پرداختن به مفاهیم حساس و محوری مورد ارتباط با موضوع تحقیق و دیدگاه های موجود، بخشی از مفاهیم حساس و هدایت بخش مرور شده است و پژوهشگر به دنبال استخراج چارچوب نظری به معنای کمی آن نیست؛ آن هم به این دلیل که پژوهش حاضر با تمرکز بر روش شناسی کیفی صورت می گیرد و چارچوب نظری و مدل نظری تابع آن پس از جمع آوری داده ها و انجام بخش کیفی از دل کار کیفی بیرون می آید. در واقع هدف استفاده از نظریه در این پژوهش در ابتدا صرفاً به عنوان راهنمایی جهت مفهوم سازی و حساسیت نظری است و به دنبال ذهنیتی برساخته از نظریه در جهت جمع آوری اطلاعات از پیش تعیین شده نیست؛ زیرا ماهیت پژوهش

اکتشافی، ورود به میدان تحقیق با ذهنیتی باز است. در این پژوهش، محقق سعی می‌کند نظریه و داده را از میدان استخراج کند.

خشونت نمادین و جنسیت (بورديو)

یکی از نظریه‌های حساسیت‌برانگیز در پژوهش حاضر، «نظریه منابع» است. نظریه منابع، یکی از اولین نظریه‌هایی است که ویلیام گود درباره خشونت خانوادگی مطرح کرد. بر پایه این نظریه، نظام خانواده مانند هر نظام یا واحد اجتماعی دیگری دارای نظامی اقتداری است و هر کس که به منابع مهم خانواده بیشتر از دیگران دسترسی داشته باشد، می‌تواند سایر اعضا را به فعالیت در جهت امیال خود وادارد. گود معتقد است که افراد بسیار قدرتمند خانواده، کمتر از دیگران به اعمال قدرت از طریق خشونت متوسل می‌شوند؛ زیرا منابع متعددی در اختیار دارند که از طریق آنها قادر به اعمال قدرت هستند. اما در میان افرادی که دارای ضعف اقتصادی-اجتماعی هستند، تنها منبع قدرت، زور بدنی و استفاده از آن است (ر.ک: Azazi, 2001). بنابراین می‌توان در طبقات پایین‌تر شاهد خشونت‌های فیزیکی بود، اما در طبقات متوسط، خشونت در حالت نمادین را مشاهده کرد.

نظریه‌های بورديو، یکی دیگر از نظریه‌های حساسیت‌برانگیز در پژوهش حاضر است. جامعه‌شناسی بورديو از این ظرفیت برخوردار است که چارچوبی نظری را برای بازسازی جامعه‌شناسی بنیادین با گنجاندن جنسیت به عنوان یک مفهوم مرکزی ارائه دهد. در ارتباط با خشونت نمادین طبق نظریه بورديو، سلسله‌مراتب یا اشکال گوناگون نابرابری‌های اجتماعی در جامعه امروز، بیش از آنکه ناشی از مناسبات مربوط به اعمال قدرت باشد، از اشکال و مناسبات نمادین سلطه نشأت می‌گیرد. او به حاصل این نوع سلطه، یعنی خشونت نمادین اشاره می‌کند. در واقع مضمون خشونت نمادین، نتیجه پیامد فهم بورديو از زبان است. بورديو، زبان را ابزار قدرت و کنش می‌داند. در دیدگاه وی، این مفهوم با مفهوم سرمایه نمادین، پیوند کاملی دارد. در واقع خشونت یا قدرت نمادین صرفاً یک پتانسیل و امکان اعمال قدرت یا خشونت است. اما همین امکان سبب می‌شود که افراد به شدت رفتارهای خود را کنترل کرده، خود را با منشأ بروز آن خشونت هماهنگ کنند. خشونت نمادین بیشتر از طریق درونی کردن نظام سلطه انجام می‌گیرد که در آن کسی که اعمال سلطه می‌کند و کسی که زیر سلطه قرار دارد، هر دو

ممکن است به صورتی ناخودآگاه، نظام سلطه را چنان درونی کنند که به صورت خودکار در حرکات روزمره، در انتخاب‌ها و در تمام ابعاد زندگی‌شان آن را تولید و بازتولید کنند (ر.ک: گرنفل، ۲۰۰۹). بوردیو، خشونت نمادین را مبارزه بر سر تصاحب نشانه‌های تشخیص‌آوری می‌داند که بر سر حفظ یا سرنگون کردن جایگاه وجود دارد. این مفهوم در نزد بوردیو با مفهوم سرمایه نمادین، پیوند بسیاری دارد. خشونت نمادین می‌تواند به صورت درونی‌شده توسط سلطه‌گر اعمال و توسط سلطه‌پذیر نیز به همین شکل پذیرفته شود (ر.ک: Bourdieu, 2001)^(۱).

سلطه مردانه

دوبوار از جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی به عنوان سلطه مرد بر زن یاد می‌کند. به اعتقاد وی، شخصیت دختران و زنان می‌توانست بسیار متفاوت با الگوهای نابرابر کنونی شکل گیرد، مشروط بر اینکه دخترچه‌ها از ابتدا با همان توقعات و پاداش‌ها و همان سخت‌گیری‌ها و آزادی‌هایی تربیت می‌شدند که برادرانشان تربیت می‌شوند (ر.ک: بستان، ۱۳۸۲). او معتقد است که سلسله‌مراتب جنس‌ها، ابتدا در تجربه خانوادگی بر دخترچه آشکار می‌شود. پدر در خانواده صاحب اقتدار است، حتی اگر عملاً مادر به مثابه خانم خانه حکومت کند، این مهارت را دارد که اراده پدر را در صدر قرار دهد؛ در لحظه‌های بااهمیت، مادر به نام پدر و از طرف پدر به او پاداش می‌دهد یا تنبیه می‌کند. نه تنها پدر، بلکه تمام مردها از اعتبار مردانه سهم می‌برند و قدرت دارند (ر.ک: دوبوار، ۱۳۸۲).

نحوه برخورد والدین با فرزندان باعث می‌شود که ویژگی‌هایی همچون پرخاشگری، موفقیت، رقابت، اتکای به نفس و استقلال در پسران بیشتر باشد. از دختر بیش از پسر انتظار می‌رود که سازش کند، صلح‌جو باشد، اختلافات را نه با جنگ و جدال، که با صحبت حل و فصل کند و مهربان و مراقبت‌کننده باشد (ر.ک: راس، ۱۳۷۳). بنابراین می‌توان گفت جامعه‌پذیری جنسیتی با نهادینه کردن نابرابری از یکسو و تداوم بخشیدن به آن در نسل‌های آینده از سوی دیگر می‌تواند در حکم بسترهای نابرابر جنسیتی شناخته شود. طبق الگوی جامعه‌پذیری جنسیتی که در آن مردانگی ارزش محسوب می‌شود، زنان موجوداتی تابع و مطیع در ساختار مردسالار خانواده‌اند و در حوزه‌های خصوصی خانواده محصورند و مردان در دنیای معمولی حضور و اشتغال دارند.

ستم جنسیتی

همه نظریه‌های ستمگری جنسی، موقعیت زنان را پیامد رابطه قدرت مستقیم میان زنان و مردان می‌انگارد؛ رابطه‌ای که طی آن، مردان که منافع عینی و بنیادی در نظرات، سوءاستفاده، انقیاد و سرکوبی زنان دارند، از طریق اعمال ستم جنسی بر زنان، این منافع را برآورده می‌سازند. از دید این نظریه‌پردازان، موقعیت زنان اساساً همان موقعیتی است که در چارچوب آن، مورد سوءاستفاده، نظارت، انقیاد و ستم مردان قرار می‌گیرند. این الگوی ستمگری به عمیق‌ترین و فراگیرترین اشکال در سازمان جامعه عجین شده و یک ساختار تسلط بنیادی تشکیل داده است که عموماً پدرسالاری خوانده می‌شود. پدرسالاری نوعی پیامد غیر عمد و ثانوی برخی عوامل دیگر، مانند عوامل زیست‌شناختی، اجتماعی شدن با نقش‌های جنسی و با طبقه اجتماعی نیست، بلکه بیشتر یک ساختار قدرت است که با یک نیت عمومی و قوی ابقا می‌شود. در واقع به اعتقاد بیشتر نظریه‌پردازان، ستمگری جنسی، تفاوت‌ها و نابرابری جنسی فرآورده‌های پدرسالاری‌اند (ریترز، ۱۳۷۴: ۴۸۳).

پدرسالاری و نابرابری جنسیتی

فمینیست‌ها معتقدند که خشونت علیه زنان به‌خصوص خشونت خانگی، ریشه در فرهنگ و ساختار سیاسی جامعه دارد که پدرسالاری را تشویق می‌کند و زنان در روابط تحت سلطه مردان قرار می‌گیرند. دیدگاه فمینیستی، تسلط مرد و اجتماعی شدن جهت استفاده از قدرت را منشأ خشونت می‌داند. این دیدگاه بیان می‌کند که خشونت خانگی نتیجه پدرسالاری، تسلط مرد و نابرابری جنسی است. برخی دیگر از فمینیست‌ها بر این اعتقادند که چگونگی توزیع منابع مالی در خانواده بستگی به روابط قدرت میان زن و شوهر دارد و روابط قدرت به این امر برمی‌گردد که چه کسی حق تصمیم‌گیری درباره پول خانواده را دارد که چگونه و کجا صرف شود (آبوت و والاس، ۱۳۸۰: ۱۵۷-۱۵۸). بر اساس نظریه‌های فمینیستی، در جوامع پدرسالار، اقتدار در خانواده با وراثت اعضای مذکر خانواده ادامه می‌یابد و پدر در خانواده پدرسالار بر تمام اعضای خانواده سلطه دارد و برای تداوم قدرت خود، هرگونه رفتار غلط و خشونت‌آمیز از خود بروز می‌دهد^(۳).

تغییر و تحول وضعیت زنان به عنوان یکی از اولین درخواست‌هایی که تغییر آن زنان

را به وضعیت زندگی ارزشمند می‌رساند، رهایی از خشونت مردانی بود که از نزدیکان عاطفی آنان محسوب می‌شدند: پدران، برادران و همسران. به این دلیل بود که اولین حوزه‌های بررسی خشونت به خشونت خانگی و اولین خشونت‌ورزان، مردان به ویژه همسران شناخته شدند. مطالعه خشونت خانگی به تدریج ابعاد پنهان و گسترده خشونت علیه زنان را آشکار کرد و به مباحث بنیادی‌تری چون محرومیت اقتصادی زنان، کم‌قدرتی و وابستگی آنان به مردان، تجویزات فرهنگی و در برخی موارد ریشه‌های دینی و آیینی خشونت خانگی انجامید.

بررسی ابعادی که خشونت را ممکن و ادامه‌دار می‌کرد، به تدریج و در پی بررسی‌های پژوهشی بیشتر، دامنه بروز خشونت را از صرف خشونت فیزیکی و آسیب جسمی به سمت خشونت‌های کمتر عینی و دارای شواهد آشکار چون خشونت‌های اقتصادی، کلامی، روانی و خشونت جنسی برد. نام‌گذاری ابعاد خشونت سبب حساس شدن جامعه علمی به سمت مطالعه انواع خشونت و ایجاد حوزه تخصصی برای بررسی و ارائه راهکار شد.

در این میان آنچه باقی ماند، دو عنصر اصلی خشونت، زن به عنوان قربانی و مرد به عنوان عامل خشونت‌ورز است و خانه و خانواده به منزله اصلی‌ترین و اولین مکان تجربه یک یا چند نوع خشونت است. این امر در کنار ارائه آمار جدی‌ترین خشونت خانگی علیه زنان (قتل خانگی) همچنان خشونت را به عنوان مهم‌ترین تهدید حقوق زنان و خانه و خانواده را به عنوان حوزه خطر معرفی می‌کند؛ مسئله‌ای که در زمان حاضر و در قدرت یافتن و استقلال (نسبی) اقتصادی زنان و اعلام مجرمانه بودن خشونت علیه زنان از جانب مردان، محل پرسش و پژوهش جدی در چرایی آن است^(۳).

روش‌شناسی

هدف این مطالعه، فهم و بررسی تجربه خشونت خانگی علیه زنان شاغل است. به همین دلیل پارادایم تفسیری برای انجام این پژوهش انتخاب و از روش نظریه زمینه‌ای (گراند تئوری) استفاده شد. این روش در مواردی به کار می‌رود که پژوهشگر علاقه‌مند به فهم معنای پدیده از نگاه و تجربه کسانی است که درگیر آنند. بنابراین پژوهشگران کیفی زمانی از این روش استفاده می‌کنند که می‌خواهند بفهمند که مردم چه تفسیری از تجربه خود دارند؟ چگونه جهان خود را می‌سازند؟ چه برداشتی از تجربه خود دارند؟

(افراسیابی و دیگران، ۱۳۹۹: ۵).

مشارکت‌کنندگان این پژوهش، زنان شاغل ۲۵ تا ۵۰ سال ساکن شهر تهران هستند. تعداد حجم نمونه افراد مورد مصاحبه، ۱۲ نفر است و برای جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته انجام شد و پژوهش از جهت داده به اشباع نظری رسید. برای انتخاب مشارکت‌کنندگان از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. از میان استراتژی‌های مختلف نمونه‌گیری هدفمند، نمونه‌گیری گلوله‌برفی یا زنجیره‌ای به کار گرفته شد. تحلیل داده‌ها با نظام کدگذاری نظری انجام شد. در این نوع کدگذاری که خاص روش نظریه زمینه‌ای است، سه مرحله کدگذاری طی می‌شود: کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی. در مرحله کدگذاری باز، متن مصاحبه‌ها، سطر به سطر خوانش و مفهوم‌بندی می‌شود. در کدگذاری محوری، این مفاهیم کنار یکدیگر قرار داده می‌شود و بر اساس هم‌پوشانی معنایی به صورت مقوله‌های محوری درمی‌آید و در نهایت مقوله هسته در سطحی انتزاعی‌تر از دو مرحله پیشین حاصل می‌گردد. ذکر این نکته ضروری است که فرایند کدگذاری داده‌ها از مصاحبه دوم به بعد آغاز شده و تا پایان کار تحلیل، مصاحبه و تحلیل به صورت هم‌زمان پیش رفت.

جدول ۱- مشخصات زنان شاغل مشارکت‌کننده

ردیف	نام	سن	تحصیلات	شغل
۱	سارا	۳۷	ابتدایی	دست‌فروش غذا
۲	سکینه	۳۱	سوم راهنمایی	قالیشویی
۳	مینا	۳۵	کارشناسی	مدیر بخش شرکت خدمات مشتری
۴	مریم	۴۷	دیپلم	آرایشگری و طبخ غذای نیمه‌آماده
۵	رویا	۳۵	کارشناسی	کارمند بخش فروش
۶	زهرا	۵۰	سیکل	بافندگی و دوزندگی
۷	زینب	۳۰	دیپلم	کار در کارگاه عرقیجات
۸	زینب	۳۵	کارشناسی‌ارشد	مدیر منابع انسانی
۹	سمیرا	۳۲	کارشناسی	کارشناس تأمین
۱۰	فریبا	۲۹	کارشناسی	کارشناس
۱۱	الهام	۲۸	کارشناسی	کارشناس آموزش
۱۲	فرزانه	۵۰	کارشناسی‌ارشد	رئیس یکی از واحدهای کمیته امداد

اعتبارپذیری: برای افزایش اعتبار یافته‌ها، ارتباط نزدیک و توأم با اعتماد با مشارکت‌کنندگان ایجاد شده، در طول بیش از سه ماه گردآوری داده، این ارتباط حفظ شد. تعامل و کنترل داده‌ها توسط اعضا در سرتاسر فرایند گردآوری داده‌ها برای ارزیابی درستی مشاهدات و تفاسیر پژوهشگر به کار گرفته شد. مفاهیم برساخته و نتایج پژوهش به‌طور مرتب در فرایند کار و پس از اتمام تحلیل داده‌ها با مشارکت‌کنندگان در میان گذاشته شد. پژوهشگران در این مطالعه با مقایسه‌های مداوم صحبت‌های مشارکت‌کنندگان در کنار توجه به بازخورد آنان از تحلیل‌ها، تلاش کردند تا به سطح مناسبی از اطمینان در پژوهش دست یابند. همچنین بخش زیادی از مصاحبه‌ها (با رضایت کامل مشارکت‌کنندگان) ضبط شده و بخش دیگر با توجه به نظر مشارکت‌کنندگان مبنی بر نارضایتی از ضبط صدا، به صورت هم‌زمان در حین مصاحبه یادداشت شد.

ملاحظات اخلاقی: پیش از شروع مصاحبه، رضایت مشارکت‌کنندگان جلب شد. همچنین با توضیح هدف، موضوع و شیوه پژوهش، مصاحبه‌شوندگان با روند کار آشنا شدند تا در صورت تمایل نداشتن به شرکت در مصاحبه، قدرت اختیار و انتخاب کافی به آنان داده شود. حفاظت از اطلاعات شخصی و خصوصی افراد، بُعدی بسیار مهم در کار پژوهشی است. به همین دلیل پژوهشگر با رضایت کامل و با اجازه هر فرد شرکت‌کننده در پژوهش، به ضبط، یادداشت و استفاده از داده‌ها اقدام کرد و به افراد اطمینان داده شد که اطلاعات به‌طور محرمانه محافظت خواهد شد. همچنین به منظور حفظ اطلاعات پاسخگویان و رعایت اخلاق پژوهش اسامی تغییر داده شده است

یافته‌ها

داده‌ها با استفاده از روش کدگذاری نظری تحلیل شد. در مرحله کدگذاری باز، شصت مفهوم اولیه و هفت مقوله اصلی استخراج شد. در هر مرحله کدگذاری محوری، روابط بین این مفاهیم و مقوله‌های بررسی و مقوله‌ها و مفاهیم تلفیق‌پذیر در یکدیگر ادغام شد. در نهایت در مرحله کدگذاری گزینشی، مقوله نهایی و هسته شکل گرفت. در ادامه، داده‌ها بر مبنای اظهارات مشارکت‌کنندگان و دریافت و تحلیل پژوهشگران به صورت شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، استراتژی‌ها و پیامدها صورت‌بندی شده‌اند.

جدول ۲- مفاهیم و مقوله‌های استخراج‌شده از داده‌ها

کد گزینشی	کد محوری	کدهای باز
خشونت فیزیکی	کتک زدن، خشونت به همراه ابزار سخت، خشونت‌های آسیب‌زننده	کشیدن موی سر، کندن موی سر، استفاده از چاقو، فشار دادن گلو، سوزاندن، پرتاب اشیاء، هل دادن، کتک زدن با دست، سیلی زدن، مشت زدن، کتک زدن با کمر بند یا وسایل دیگر، چنگ زدن و...
خشونت روانی	خشونت‌های نمادین، ایجاد احساس حقارت، توهین فراگیر	توهین، تمسخر و تحقیر، تهدید به آسیب رساندن، بی‌احترامی، قهر و اخم، داد و فریاد زدن، اظهار یا انجام کارهای برخلاف میل طرف مقابل، بیرون کردن از منزل، چک کردن گوشی تلفن همراه، نصب ردیاب در ماشین یا روی تلفن همراه، بی‌توجهی
خشونت جنسی	اجبار به رابطه جنسی توسط همسر، بروز رفتارهای جنسی خشن	اجبار به برقراری رابطه جنسی به‌رغم عدم تمایل طرف مقابل، عدم درک نیازهای جنسی توسط همسر، قطع رابطه جنسی، رفتار جنسی غیر متعارف بدون رضایت، اجبار به رابطه جنسی حین عادت ماهیانه
خشونت اقتصادی	عدم تأمین اقتصادی همسر، دخالت در امور اقتصادی زنان	ندادن خرجی، کنترل دائمی مخارج، پنهان کردن درآمد، مخالفت با اشتغال، تصمیم‌گیری برای درآمد همسر، تهدید به قطع درآمد اقتصادی، استفاده اجباری از درآمد همسر
خشونت اجتماعی	شکاکیت فراگیر، محدودیت و ممنوعیت در برقراری رفتار اجتماعی همسر	ممنوعیت ملاقات با دوستان، شک و تردید، تعقیب کردن همسر، حبس کردن در منزل، ممنوعیت ملاقات با والدین، ممنوعیت ملاقات با خویشاوندان، قطع کردن تلفن، خیانت
خشونت کلامی	توهین‌های کلامی، تهدیدهای کلامی	فحش و ناسزا، توهین به نزدیکان، تحقیر کردن، تهدید به ارتباط جنسی با فرد دیگر، فحاشی، قطع رابطه کلامی، غر زدن، امر و نهی کردن، نگاه ابزاری به زن و ابراز آن در کلام
تنش‌های روحی-روانی	تشویش و اضطراب مستمر، اختلالات روحی روانی، از بین رفتن اعتماد به نفس	افسردگی، تشویش، استرس‌های ناگهانی، افکار منفی، وسواس فکری ناشی از ترس از خشونت، بدگمانی به مردان، فرسایش اعتماد به نفس، از بین رفتن عزت نفس، بی‌اعتمادی به همسر

خشونت کلامی

زنان مورد مطالعه در پژوهش حاضر، به خشونت کلامی‌ای که آن را در محیط خانه و فضای خصوصی تجربه کرده‌اند، به وفور اشاره نموده‌اند؛ خشونتی شایع که از فحاشی گرفته تا اشکال پنهان‌تر آن مانند بیان جمله‌هایی که با «زنان نمی‌توانند» یا «زن نباید» شروع می‌شود. این شکل پنهان خشونت کلامی به شدت به استقلال و اعتماد به نفس زنان آسیب زده، موجب بروز روحیهٔ پوچی یا خودنابودسازی، گریز از مشارکت اجتماعی و اضطراب در زنان می‌شود.

فرزانه ۵۰ ساله در این مورد می‌گوید:

«غذا که دیر میشه، کلاً غر میزنه، شروع می‌کنه به داد و فریاد زدن؛ طوری که صدایش تا بیرون میره و همسایه‌ها می‌فهمن. بعد که بهش میگم چرا این کارا رو می‌کنی، میگه تقصیر خودته، وقت نمیزاری. منظورش دقیقاً اینه که اگه بیشتر برای خونه وقت میداشتم، این اتفاقات نمی‌افتاد. کار خونه، وظیفهٔ من تلقی میشه و اگه کاری دیر بشه، مثل همون غذا که گفتم، ابراز ناراحتیش رو یه جوری با غر زدن و داد و بیداد نشون میده».

زینب که یک زن ۲۵ ساله است، درباره خشونت کلامی همسر خود اینگونه بیان می‌کند:

«به من و پدر و مادرم، فحش‌های ناموسی می‌ده. جلو بچه‌هام، فحش‌هایی می‌ده که من نمی‌تونم بگم. وقت‌هایی که در مقابلش سکوت می‌کنم و جواب نمی‌دم، کارهای روانی می‌کنه؛ مثلاً شیر گاز رو باز می‌کنه یا لوله بخاری رو درمیاره که ما خفه بشیم».

سکینه ۳۱ ساله، زن مورد خشونت دیگری است که در مصاحبهٔ خود درباره رفتار همسرش می‌گوید:

«به من خیلی فحش می‌داد. جلوی همه بهم فحش زشت می‌داد (زن خراب). چندبار که می‌رفتم سرکار، تعقیب می‌کرد که کجا میرم. تو خونه به هر چیزی گیر می‌داد و شروع می‌کرد به فحش دادن جلو بچه‌ها. هر چی هم که من حرف نمی‌زدم، بدتر می‌شد».

خشونت روانی

نوع دیگری از خشونت که به صورت انتقاد ناروا، تمسخر، تحقیر، توهین، فحاشی، تهدیدهای مداوم به طلاق یا ازدواج مجدد اعمال می‌گردد، خشونت روانی است. در واقع وقتی در روابط زن و مرد، خشونت روانی حاکم باشد، نظارت بر هزینه‌ها، انتخاب افراد برای معاشرت و رفت و آمد خانوادگی، حتی تعیین و تکلیف برای همسر و مورد تمسخر قرار دادن عقاید او به‌ویژه در میان جمع از جانب مرد صورت می‌گیرد. در این نوع خشونت، سلاح فرد برای آسیب رساندن، کلام است و به نظر می‌رسد بیشتر از انواع دیگر خشونت در خانواده‌ها مشاهده می‌شود.

در پژوهش حاضر فریبا ۲۹ ساله، نحوه مواجهه خود را با خشونت روانی، اینگونه مطرح می‌کند:

«با یکی از همکارای آقای من شروع کرد به دعوا کردن با ادعای اینکه تو زن منو نگاه کردی. کلاً همیشه در این زمینه باعث آبروریزی هست. یه سری متوجه شدم که توی ماشینم ردیاب گذاشته از روی شک شدید و بعد از اون از روی ترس هیچ جا گوشیمو با خودم نمی‌بردم که نکنه با گوشیم ردیابیم کنه!»
زینب ۲۵ ساله که دارای دو فرزند است، درباره نحوه برخورد همسرش با او در زمان ناراحتی می‌گوید:

«وقتی از جای دیگه ناراحت باشه، به سر کار رفتن من گیر می‌ده؛ شروع می‌کنه به دعوا و داد و بیداد. منم اعصابم خورد میشه. اگه جوابشو بدم که شروع به فحش دادن می‌کنه، اگه جوابشم ندم، بیشتر حرص می‌خوره، داد و بیداد می‌کنه تا همسایه‌ها بیان سراغش».

رؤیا ۳۵ ساله که چند سالی از زندگی مشترکش نمی‌گذرد و از خشونت‌های روانی همسرش رنج می‌برد، درباره نحوه برخورد همسرش به بیان این جمله‌ها می‌پردازد:

«قهر می‌کنه و باهام صحبت نمی‌کنه و اینجوری اذیتم می‌کنه و رو اعصابم راه میره و دست می‌ذاره رو نقطه ضعفم تا زمانی که من عذرخواهی نکنم و التماسش نکنم، آشتی نمی‌کنه. گاهی کار به تهدید می‌رسه که نمی‌زارم سر کارت بری و منم مجبورم کوتاه بیام که اجازه بده کار کنم».

خشونت اجتماعى

در پژوهش حاضر، نوعى ديگر از خشونت نيز بر زنان اعمال شده كه مى توان آن را خشونت اجتماعى در نظر گرفت. خشونت با فرمى از كنترل شديد مرد و در انزوا اجتماعى قرار گرفتن زن. به نظر مى رسد كه در اين نوع خشونت، شوهر از قدرت خود براى كنترل زن و سوءاستفاده از او بهره مى برد. در مطالعه انجام شده، مريم ۴۷ ساله، نحوه خشونت اجتماعى عليه خود را اينگونه مطرح مى كند:

«ميگه با من زندگى مى كنى، نميخاد كار كنى. بهانه الكى مى گيره، مثلاً ميگه از خونه بيرون نرو. محدوديت مى زاره ديگه با هر كسى رفت و آمد نكن. به همه دوستا و آشناهاى من انگ مى زنه. جلوى همشون منو ضايع مى كنه تا من نتونم باهاشون برم و بيام».

مينا ۳۵ ساله كه در صحبت هاى خود از شكاك بودن همسرش بسيار گلایه دارد، اينگونه خشونت اجتماعى همسرش را تعبير مى كند:

«وقتي من سمت بالاترى از اون گرفتم، هم آدم شكاكى شده بود، هم سعى مى كرد منو با حرفاش تحقير كنه، طورى كه به من بگه تو اون آدمى نيستى كه فكر مى كنى؛ يعنى فكر نكن كه كسى هستى».

خشونت فيزيكى

خشونت، انواع مختلفى دارد كه هر يك از زنان در خانواده در گير برخى از آنهاست. يكي از اين موارد، خشونت فيزيكى است. در واقع هر نوع رفتار خشن را كه از روى قصد و نيت منجر به آسيب و صدمات جسمانى مى شود، مى توان خشونت فيزيكى ناميد. ضرب و شتم، مشت زدن، سيلى زدن، خفه كردن، مثله كردن، قتل و... انواع مختلف آن است.

در پژوهش حاضر كه در بين زنان شاغل در سطح تهران انجام شده است، زينب ۳۰ ساله كه در كارگاه عرق گيرى كار مى كند، مى گويد:

«وقتي جوابشو ندادم و سكوت كردم، گلدون روى ميز رو كوبيد پشت كمرم و ظرف شكست و لگد زد و بعدش از خونه رفت بيرون و مامانم ناراحت شد و منو برد خونه خودشون و من دوباره به خاطر بچم خودم برگشتم و زندگيمو ادامه دادم».

سکینه ۳۱ ساله که تجربه خشونت فیزیکی را دارد، در این رابطه اینگونه بیان می‌کند: «تهدید می‌کرد و می‌گفت می‌کشمت و همین‌جا خاکت می‌کنم، کسی هم نمی‌فهمه. چندبارم منو با چاقو زد که جاشم مشخصه. با چوب دماغمو شکست که آثارش روی صورتم هست».

خشونت جنسی

یکی از مسائلی که بیشتر اوقات زنان از صحبت درباره آن خجالت می‌کشند و سعی می‌کنند در رابطه با این نوع خشونت صحبت نکنند، خشونت جنسی است که به معنی هر نوع رفتار غیر اجتماعی از لمس کردن بدن زن تا مرحله تجاوز جنسی زن است. زنانی که مورد خشونت جنسی قرار می‌گیرند، دچار صدمات روانی، عصبی و عاطفی می‌شوند که بر کل رفتارهای آنان نسبت به جنس مذکر تأثیر می‌گذارد. این نوع خشونت به هرگونه رفتار غیر اجتماعی اطلاق می‌شود که جسم زن را مورد آزار قرار می‌دهد.

در مطالعه انجام‌شده، مریم ۴۷ ساله که برای تأمین مخارج اقدام به آرایشگری و طبخ غذای بیرون‌بر می‌کند، رابطه خود را اینگونه بیان می‌کند:

«دوران عادت ماهیانه هم رابطه جنسی داریم. چون شرایط منو حالیش نیست و فقط خودشو می‌بینه. انقدر اعصاب خورد می‌کنه و گیر می‌ده تا انجام بشه. اما برای من خیلی سخته و فقط از روی اجبار انجام می‌دم».

رؤیا ۳۵ ساله که کارمند فروش است، رابطه جنسی خود با همسرش را اینگونه تشریح می‌کند:

«مخصوصاً از وقتی بچه‌دار شدم و درگیر بچه شدم، برا من دیگه رابطه جنسی واقعاً آزاردهنده شده و برام سخت شده؛ چون خیلی وقت‌ها دیگه خواسته من نیست و فقط خواسته اون هست. همین فقط خواستش، متوجه نمی‌شه و حتی بهش توضیح هم می‌دم که من امروز صبح زود بیدار شدم و او مدم خونه، حتی وقت نکردم یه دوش بگیرم و خسته‌ام. اجازه بده امشب این اتفاق نیفته. ولی اون قبول نمی‌کنه و از من می‌خواد».

خشونت اقتصادی

این نوع خشونت رفتاری است که از روی قصد و نیت، زن را در امور مربوط به

اشتغال، اقتصاد و دارایی تحت فشار و آزار و تبعیض قرار دهد. مصادیق آن عبارتند از: عدم پرداخت نفقه، خساست، دریافت اجباری حقوق زن، عدم تأمین نیازهای ضروری همسر و فرزندان و هر نوع رفتار خشنی که از روی قصد و نیت، زن را در امور مربوط به اشتغال، اقتصاد و دارایی تحت فشار و آزار و تبعیض قرار می‌دهد. به عبارت دیگر هر نوع سوء رفتار یا آزار اعمال شده از سوی شوهر در راستای عدم دستیابی زن به منابع اقتصادی است (مجبی، ۱۳۸۰: ۳).

الهام ۲۸ ساله در این مورد می‌گوید:

«مستقیم یا غیر مستقیم ازم می‌خواد با پول خودم خرید خونه رو انجام بدم، یا گاهی توی مغازه خودشو عقب می‌کشه که پول خریدهای خونه رو من بدم. وقتی ازش پول می‌خوام، میگه خودت کار می‌کنی، از پولای خودت خرج کن. کلاً همه هزینه‌ها رو خودم باید پرداخت کنم».

مینا ۳۵ ساله که از خشونت اقتصادی همسرش در رنج است، اینگونه صحبت را ادامه می‌دهد:

«من هر چی که درمیارم و پولی که دارم و حقوق خودمو در واقع برا مخارج خودم ازش استفاده می‌کنم و اگه بخوایم سفر بریم، پول بلیط و همه هزینه‌ها با منه. وقتی اعتراض کنم، میگه اگه مشکلی داری خب سرکار نرو. اگه قراره سرکار بری، باید هزینه‌های خودت رو تأمین کنی».

تنش‌های روحی - روانی

تجربه انواع خشونت توسط نمونه‌های مورد مطالعه در پژوهش حاضر بیانگر پیامدهای گسترده و گاه عمیق بر سلامت روان و همچنین سلامت جسمانی زنان است. تجربه تنش‌های روحی و روانی شامل افسردگی، استرس و اضطراب‌های تکانشی، بدبینی و بی‌اعتمادی به همسر می‌شود.

سکینه ۳۱ ساله درباره استرس‌ها و ترس ناشی از خشونت همسر خود اینگونه اظهار نظر می‌کند:

«من با اینکه هر روز هفته مجبورم با این کمردردی که دارم برم سرکار و ۲۰ قالی رو تا ظهر بشورم، شبا خواب ندارم و همش خواب بد می‌بینم. از خواب

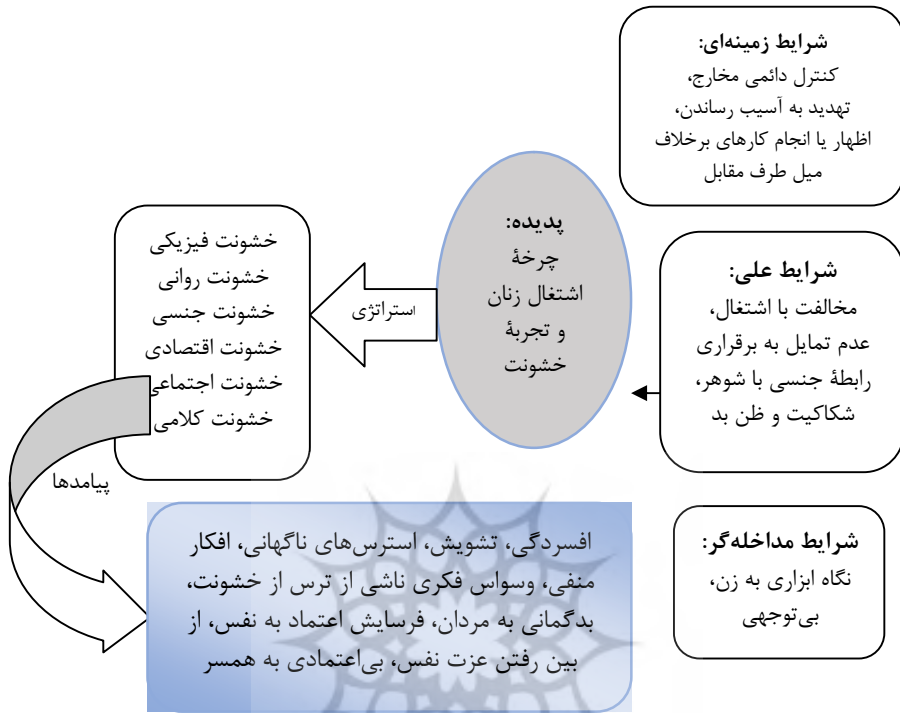
می‌پرم و هی فکر می‌کنم الان سمتم یه چیزی رو پرت می‌کنه، یا می‌زنه جایی از بدن رو میشکنه. یه مدت ترس اینو داشتم اگر بزنه منو ناقص کنه، چطوری خرج خونه رو در بیارم».

زینب ۳۵ ساله، مدیر منابع انسانی سازمان، دارای تحصیلات تکمیلی، هرچند وانمود می‌کند که خشونت همسرش، تأثیر زیادی بر روحیه او نداشته و خود را با نشاط معرفی می‌کند، در پاره‌ای از مواقع در روند مصاحبه درباره تنش‌های روحی و ذهنی خود اینگونه بیان می‌کند:

«راستش دیگه مثل سابق همه‌چی خوشحالم نمی‌کنه. دل خوشی‌هام کم شده و گاهی می‌رم تو خودم. یه رفتاری داشته باهام (شوهر زینب) که دیگه با اینکه الان وضع مالییم بد نیست و خودم هم گاه‌ب‌گاه پول می‌دم و کمک مالی می‌کنم، ولی روحیم رو خورد کرده، کم می‌خندم و از تنهایی بیشتر لذت می‌برم تا با دیگران بودن».

بحث و نتیجه‌گیری

خانواده، یکی از مهم‌ترین ارکان جامعه است و از این‌رو پرداختن به موضوعاتی که با خانواده در ارتباط است، دارای اهمیت می‌باشد. در این پژوهش که با هدف بررسی خشونت خانگی در میان زنان شاغل انجام شده، به انواع خشونت‌هایی که زنان شاغل در خانواده با آن روبه‌رو هستند، پرداخته شده است. موضوع اشتغال زنان همواره دارای چالش‌هایی است. وظایف زنان در خانه به عنوان همسر، مادر و... در کنار اشتغال در بیرون از منزل، مباحثی را مطرح می‌کند که گاه به ایجاد خشونت علیه زنان منجر می‌شود. گرچه فرض بر این است که اشتغال و افزایش توانایی‌های اقتصادی زنان موجب کاهش احتمال خشونت خانگی علیه آنان می‌گردد، ولی مطالعه حاضر نشان از آن دارد که اشتغال زنان نه تنها خشونت خانگی را کاهش نمی‌دهد بلکه با تأکید بر نقش‌های خانگی زنان زمینه را برای افزایش خشونت فراهم می‌نماید. این مطالعه نشان می‌دهد زنان شاغل با تنوع خشونت اقتصادی (کنترل درآمد، الزام برای هزینه درآمد در خانه،...) نسبت به خود مواجه هستند.



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش

همان‌طور که در الگوی بالا مشاهده می‌شود، پدیده اصلی‌ای که این پژوهش به آن پرداخته، چرخه اشتغال زنان و تجربه خشونت است. انواع خشونت‌هایی که زنان به آن اشاره کرده‌اند، خشونت فیزیکی، روانی، جنسی، اقتصادی، اجتماعی و کلامی است که در ذیل به بررسی نتایج هر مورد می‌پردازیم.

در برخی موارد خشونت‌ها در پی هم صورت می‌گیرد؛ از جمله این موارد، خشونت کلامی است که به نظر می‌رسد منجر به خشونت فیزیکی می‌شود. نصیرزاده و همکاران (۲۰۲۱) در تحقیق خود می‌گویند که با توجه به شیوع خشونت کلامی بالا به نظر می‌رسد که باید تمهیداتی در جهت کاهش آن به کار گرفته شود. از این‌رو پیشنهاد می‌گردد برنامه‌ریزی و اجرای مداخلات ارگونومیک و روان‌شناسی به منظور کاهش شرایط محیطی استرس‌زا و پیشگیری از خشونت در میان کارکنان صورت گیرد.

همچنین آدام و اراهاس در پژوهش خود که انواع خشونت خانگی تجربه شده توسط زنان را بررسی کرده، نشان داده‌اند که مردان بیشتر مرتکب خشونت فیزیکی بودند. همچنین از دیگر موارد خشونت علیه زنان، خشونت جنسی است. در برخی موارد زنان با توجه به شرایط شغلی از برقراری ارتباط جنسی با همسر خودداری می‌کنند، ولی با توجه به نیاز همسر مورد خشونت قرار گرفته، تن به رابطه جنسی اجباری می‌دهند. نکته قابل توجه در این موضوع، این است که زنان در جامعه، این نوع خشونت را بیان نمی‌کنند. به دلیل وجود حیا در زنان به نظر می‌رسد که کمتر به این نوع از خشونت پرداخته می‌شود.

در برخی از مصاحبه‌ها شاهد این موضوع هستیم که با توجه به اینکه زنان دارای درآمد مستقل از همسر هستند، این موضوع باعث می‌شود که مرد از وظیفه خود برای تأمین هزینه‌های زندگی سر باز زند و در برخی موارد حتی دیده می‌شود که زن مورد تهدید قرار می‌گیرد که در صورتی که هزینه‌های زندگی را تقبل نکند، نیازی به کار کردن وجود ندارد. در موارد این‌چنینی با توجه به میل به استقلال در زنان، خشونت اقتصادی بر آنان تحمیل می‌شود. این وضعیت را می‌توان با نظریه منابع گود تحلیل نمود. شوهرانی که فاقد منابع دیگر قدرت هستند، از خشونت علیه زنان به عنوان ابزاری برای اعمال قدرت در روابط خانوادگی استفاده می‌کنند (رئسی و حسین چاری، ۱۳۹۰: ۹). هرچند برخی دیگر از مطالعات در تعارض با نظریه گود است؛ به طوری که نتایج تحقیق رسکو نشان می‌دهد که وقتی منابع اقتصادی زنان افزایش می‌یابد، خشونت فیزیکی علیه آنها به صورت معناداری کاسته می‌شود. در هر حال به نظر می‌رسد که یکی از زمینه‌های تفاوت خشونت بین زنان خانه‌دار و شاغل، نوع خشونت اقتصادی است که این دو گروه تجربه می‌کنند. در زنان خانه‌دار عموماً خشونت اقتصادی شامل محروم کردن آنان از دسترسی به منابع اقتصادی خانواده است. در حالی که خشونت اقتصادی علیه زنان شاغل، استفاده از منابع اقتصادی حاصل از اشتغال آنان به اجبار است.

از مواردی که به نظر می‌رسد خشونت علیه زنان خانه‌دار و زنان شاغل بسیار به هم نزدیک است، خشونت روانی و اجتماعی است. در مواردی شاهد این موضوع هستیم که با قهر و اخم و انجام کارهایی که موجب آزار زن می‌شود، خشونت اعمال می‌شود؛ اما در برخی از موارد پا را فراتر گذاشته، توهین به خانواده و قطع ارتباط با اعضای خانواده را

شامل مى شود. خشونت اجتماعى عليه زنان شاغل در مطالعه حاضر به دليل موقعيت برتر اجتماعى آنان نسبت به همسر اتفاق مى افتد كه معمولاً با خشونت روانى همراه مى شود. تحقير كردن و تهديد به جلوگيرى از كار كردن، از جمله انواع خشونت هاى اجتماعى روانى است كه عليه زنان شاغل انجام مى شود. يافته حاضر در تأييد مطالعات ديگر است. ميرزاى و همكاران (۱۳۸۹) در تحقيق خود به اين موضوع اشاره مى كنند كه بيشترين نوع خشونت در زنان شاغل و خانه دار، اجبار به انجام كارهاى خلاف ميل زنان توسط همسر و كمترين نوع خشونت در دو گروه، حبس كردن در منزل بوده است. همه اين موارد باعث وجود تنش هاى روانى در زنان مى شود كه نتايج آن ايجاد افسردگى، تشويش، استرس هاى ناگهانى، افكار منفى، وسواس فكرى ناشى از ترس از خشونت، بدگمانى به مردان، فرسايش اعتماد به نفس، از بين رفتن عزت نفس، بى اعتمادى به همسر و... است.

اين مطالعه محدود به زنان شاغل در نمونه بررسى شده در شهر تهران است و براى مقايسه بين خشونت خانگى نسبت به زنان شاغل و غير شاغل لازم است مطالعات بيشترى انجام شود؛ اما بر اساس يافته هاى مطالعات پيشين، در مقايسه بين تجربه خشونت خانگى عليه زنان خانه دار و شاغل شباهت ها و تفاوت هاى وجود دارد. به نظر مى رسد بجز زمينه تجربيات مشترك خشونت خانگى در دو گروه زنان شاغل و زنان خانه دار؛ خشونت خانگى نسبت به زنان شاغل در زمينه اجتماعى نيز به وقوع مى پيوندد. زيرا زنان شاغل به حضور در جامعه ايفاي نقش هاى اجتماعى اهتمام دارند، خشونت خانگى در زمينه اجتماعى كه به محروم نمودن (تهديد به محروم كردن) حضور اجتماعى آنان دارد، موقعيت شغلى آنان را به مخاطره انداخته و با چالش مواجه مى كند. همچنين با نظارت، كنترل و مديريت درآمد زن توسط شوهر، به نظر مى رسد كه خشونت اقتصادى نسبت به زنان شاغل طيف گسترده ترى نسبت به زنان خانه دار، دارد. بنابر اين به نظر مى رسد كه باور هاى كليشه اى نسبت به زنان و تأكيد بر نقش هاى خانگى آنان سبب شده تا زنان شاغل بيش از زنان خانه دار در معرض خشونت خانگى قرار گيرند. به منظور کاهش زمينه هاى خشونت اجتماعى خانگى نسبت به زنان شاغل الزامات قانونى براى مقابله با ممانت همسر از اشتغال زن مى تواند مؤثر باشد.

پی‌نوشت

۱. عاملیت زنانه در مواجهه با خشونت نمادین در طبقه متوسط
۲. خشونت علیه زنان: حاکمیت ایدئولوژی مردسالار و هژمونی سلطه مذکر
۳. مقایسه تطبیقی مفاهیم خشونت در تحقیقات جنسیت، زنان، خانواده در ایران و کشورهای توسعه‌یافته بر اساس تحلیل هم‌رخدادی واژگان.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- احمدی، سیروس و دیگران (۱۴۰۰) «خشونت علیه زنان: حاکمیت ایدئولوژی مردسالار و هژمونی سلطه مذکر (مطالعه موردی: زنان شهر بوشهر)»، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، دوره نوزدهم، شماره ۴، زمستان، صص ۵۴۵-۵۷۲.
- آبوت، پاملا و کلر والاس (۱۳۸۰) جامعه‌شناسی زنان، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران، نشرنی.
- افراسیابی، حسین و فاطمه اسدی کوهنجانی (۱۳۹۹) چالش همسازی تفسیر زنان از ایفای نقش خانه‌داری، جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ش ۱۶، پاییز و زمستان، صص ۸۷-۱۱۵.
- باغی، وجیهه و دیگران (۱۴۰۰) خشونت علیه زنان و عوامل مرتبط با آن یک مطالعه مقطعی در سقز، فصلنامه پرستاری مامایی و پیراپزشکی، دوره ۶، ش ۴، بهار.
- بستان، حسین (۱۳۸۲) کارکردهای خانواده از منظر اسلام و فمینیسم، روش‌شناسی علوم انسانی، ش ۳۵، تابستان، صص ۴-۳۴.
- بگرضایی، پرویز و حبیب‌الله زنجانی و سیف‌الله سیف‌اللهی (۱۳۹۶) مطالعه کیفی پدیده خشونت خانگی علیه زنان (مورد مطالعه: زنان مراجعه‌کننده به مرکز خدمات اورژانس اجتماعی شهر ایلام)، مطالعات اجتماعی ایران «پاییز ۱۳۹۶، دوره یازدهم - شماره ۳.
- جهانی جنقرد، میلاد (۱۳۹۹) خشونت خانگی علیه زنان در ایران، فصلنامه بین‌المللی قانون یار، دوره چهارم، ش ۱۵، پاییز، صص ۸۹۷-۹۰۹.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۴) نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علمی.
- رئیزی، طاهره و مسعود حسین چاری (۱۳۹۱) «بررسی زمینه‌های خشونت علیه زنان در خانواده»، خانواده‌پژوهی، سال هشتم، ش ۲۹، بهار، صص ۷-۱۸.
- سعیدی، ایمانه و دیگران (۱۳۹۹) «تجربه زیسته زنان از خشونت خانگی (مطالعه موردی: زنان مراجعه‌کننده به واحد کاهش طلاق مرکز اورژانس اجتماعی شهر اصفهان)»، مسائل اجتماعی ایران، سال یازدهم، شماره ۱، صص ۱۲۳-۱۴۲.
- شمس اسفندآبادی، حسن و دیگران (۱۳۸۳) «همسرآزاری و عوامل مؤثر بر آن در زنان متأهل»، پژوهش‌های نوین روان‌شناختی (روان‌شناسی دانشگاه تبریز)، سال اول، شماره ۱، ص ۱۲۲.
- کریمی، رضا و دیگران (۱۴۰۰) «مقایسه تطبیقی مفاهیم خشونت در تحقیقات جنسیت، زنان، خانواده در ایران و کشورهای توسعه‌یافته بر اساس تحلیل هم‌رخدادی واژگان»، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، دوره نوزدهم، شماره ۲، تابستان، صص ۱۹۳-۲۲۱.
- لطفی خاچکی، طاهره و مهدی کرمانی (۱۳۹۹) «عاملیت زنانه در مواجهه با خشونت نمادین در طبقه متوسط»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال بیستم، شماره ۷۶، صص ۸۷-۱۲۹.
- محبی، سیده فاطمه (۱۳۸۰) خشونت علیه زنان آسیب‌شناسی اجتماعی ۳، فصلنامه مطالعات

راهبردی زنان، پیاپی، ۱۴، زمستان.

مفردنژاد، ناهید و مرتضی منادی (۱۳۹۹) «ارتباط سرمایه‌های روان‌شناختی و فرهنگی با خشونت خانگی در زنان متأهل (مطالعه موردی: فرهنگیان بهبهان)»، فصلنامه مطالعات زن و خانواده، پژوهشکده زنان دانشگاه الزهراء، دوره هشتم، شماره ۱، صص ۱۸۹-۲۱۳.

میرزایی، خدیجه و دیگران (۱۳۸۹) «بررسی میزان خشونت خانگی از نوع روانی در زنان شاغل و خانه‌دار شهر شاهرود و ارتباط خشونت روانی با برخی از مشخصات دموگرافیک در سال ۱۳۸۸»، فصلنامه علمی پزشکی قانونی، دوره شانزدهم، شماره ۴، زمستان، صص ۲۷۷-۲۸۳.

یزدان‌پناه دولت‌آبادی، علی و دیگران (۱۴۰۰) «طراحی بسته آموزشی مقابله با خشونت خانگی و اثربخشی آموزش بسته بر خشونت همسر و اشتیاق تحصیلی فرزندان»، پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۳، صص ۱-۱۸.

- Adam, VY. and Erhus, E (2022) "One-year prevalence of domestic violence against women during the COVID-19 pandemic in an urban community in Southern Nigeria", *Journal of Community Medicine and Primary Health Care*, 34 (1), April.
- Aliverdi Nia, Akbar; Mohammad Esmaeil Riahi and Mahmoud Farhadi (2011) "Social Analysis of Husband's Violence Against Women: Theoretical Model and Experimental Test", *Social Issues of Iran*, Second Year, No. 2, pp. 127-95, (In Persian).
- Azazi, Sh (2001) *Domestic Violence "Beaten Women"*. Tehran: Sali Publishing, (In Persian).
- Bourdieu, Pierre (2001) "Theory of Action, Practical Reasons and Intellectual Selection," translated by Morteza Mardeesh, Tehran, role play, first edition, (In Persian).
- Cau, B. M (2020) Area-level normative social context and intimate partner physical violence in Mozambique. *Journal of interpersonal violence*, 35(15-16), 2754-2779.
- Dlamini, N.J (2020) Gender based violence, twin Pandemic to COVID-19. *Critical Sociology* 47 (4-5) 2020 Available from <https://doi.org/10.1177/0896920520975465>.
- Lorena, Sosa; Ruth M. Mestre I Mestre (Ensuring The Non-Discriminatory Implementation Of Measures Against Violence Against Women And Domestic Violence: Article 4, Paragraph 3, Of The Istanbul Convention) Council Of Europe (F-67075 Strasbourg Cedex Or Publishing@Coe.Int).
- Mojahed, A; Others (2020) *Intimate Partner Violence Against Women in the Arab Countries: A Systematic Review of Risk Factors, Trauma, Violence, & Abuse*, Volume 23 Issue 2, April.
- Manizia, L. And Mishra, R (2022) "Young Adult's Attitude Towards Domestic Violence", *The Pharma Innovation Journal*, 11 (1), PP 140-144.

- Nasirzadeh, Nafiseh; Nazarpavar, mehran; Mahmoudi, Davoud; Alishzadeh, Amir-Ali and Mirzae, Vahid (2021) "Individual and Job Factors Affecting the Incidence of Occupational Violence among Workers in Industries". Occupational Hygiene Engineering Journal, 8 (1): 46-54.
- Richardson, JR; Feder, G; Coid, J(2002) Domestic Violence affects Women than men, BMJ, July 325 (7354): 44.
- Shokri, O.; Khodaei, A. and Moezzodini, Sh (2021) "A Phenomenological Study of Women's Lived Experiences of Domestic Violence During the COVID-19 Pandemic", Quarterly of Applied Psychology, Vol 15, No 3 (59), Fall, PP 381-402.
- Sosa, Lorena And Mestre, Ruth (2022) Ensuring The Non-Discriminatory Implementation Of Measures Against Violence Against Women And Domestic Violence, The Istanbul Convention, Conseil of Europe.
- Subhashchandra, K.; Selvaraj, V.; Jain, T. and Dutta, R (2022) "Domestic Violence and its Associated Factors Among Married Women in Urban Chennai: A cross-sectional study", Journal of Family Medicine and Primary Care, No 11 (2), February, PP 633-637.
- Tyarakanita, A., Drajadi, N.A., Rochsantiningih, D. et al. The representation of gender stereotypes.
- Utaminingsih, Alifiulahtin and Nuryani, Astrida Fitri (2022) "Addressing Domestic Violence Against Women During the Time of COVID-19 Pandemic: The Case of Advocacy Actors in the Municipality of Malang, Indonesia". In: ICGCS 2021, August, Padang, Indonesia.